

ترتیب اولیایی: روشی برای فهم مراتب وجود

امیدرضا پیغمبری

کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان تطبیقی دانشگاه تهران

چکیده

در تطابق جهان صغیری، اگر اصالت را به جهان بیرون از انسان با عنوان جهان اکبر بدهیم، آنگاه خواهیم گفت که رشحه ای از روحانیت افلاک، در سماوات وجود آدمی به صورت وجودی ظلی تعبیه شده است، که می توان آنرا سپهرهای وجود آدمی نامید. و اگر وجود انسان را جهان اکبر فرض کنیم، آنگاه جهان بیرونی به مثابه سایه ای انسان خواهد بود. چنانی که در شعر مشهور منسوب به مولا علی (ع) آمده است:

| | |
|--------------------------|---------------------------|
| دوانک فیک و لا تبصر | و دانک منک و لا تشعر |
| اتزعم انک جرم صغیر | و فیک انطوی العالم الاکبر |
| و انت الکتاب المبین الذی | با حرفه تظهر المضمیر |
| فلا حاجه لک فی خارج | یخبر عنک بما یسطر |

(قیصری، ۱۳۷۵، ۹۱)

عرفای مسلمان، کل عالم را تن و انسان کامل را روح این پیکر بی روح معرفی می نمایند. و چون برای هر یک از افلاک روحانیت ویژه ای قائل بوده، پس روحانیت افلاک چه در جهان صغیر و چه در جهان کبیر تحت سیطره ی باطنی انسان های کامل است. ما در این مقاله به رابطه درجات سماوات وجود و ترتیب اولیایی پرداخته ایم. هر ولی یا پیامبر نماد یک آسمان است. استفاده نمودن از این شیوه، شاید به خاطر خاصیت نمادها یعنی خلاصه نمودن مفاهیم به صورت ملموس و مختصر باشد، اما این روش را نباید صرفاً به عنوان یک ابتکار برای شرح و بیان درجات آسمان فرض نمود، بلکه آن ریشه در مکاشفات بزرگان الهی و ارتباط وثیق این سماوات با نمادهایشان دارد. و بهتر است که بگوییم این آسمانها سایه های آن رب النوع ها هستند. شاید اولین بار این شیوه نمادپردازی در قائل شدن به ارواحی لطیف برای افلاک، خود را بروز داده، یعنی هر سیاره در سیطره یک رب النوع خاص. این شیوه ی نمادپردازی، در هندوئیسم و به خصوص تانترایوگا، به صورت تناظر چاکراها (به عنوان سماوات وجود آدمی) با خدایان یا خدامردان آشکار گردیده، در عرفان یهود نیز هر سپهر وجود (سفیروت) مربوط به یک پیامبر خاص معرفی شده است. همچنین می توان این شیوه ی ترتیب اولیایی را به وضوح در آثار صوفیان مسلمان مشاهده نمود، عرفا هر آسمان را زیر قدم یک پیامبر می دانند.

واژه های کلیدی: لطائف سبعة، سماوات وجود، درجات آسمان، سفیروت، چاکرا، ترتیب اولیایی.

مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه

دوره ۶، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹، صفحات ۱۷-۳۲